

## بررسی اثرگذاری برداشت چهره‌ای بر رفتار دانشجویان در بازی اعتماد

تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۳/۳/۵

تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

مهديه سادات ميرمحمد<sup>۱</sup>  
سيد كاظم رسولزاده طباطبائي<sup>۲</sup>  
پرويز آزادفلاح<sup>۳</sup>

### چکیده

**مقدمه:** اعتماد سازه‌ای است که از سویی در بهداشت روانی و سلامت روابط بین‌فردی افراد جامعه و از سوی دیگر در کارکرد بهینه کل جامعه در حوزه‌های گوناگون نقش به‌سزایی دارد. لذا هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر برداشت چهره‌ای «قابل اعتماد بودن» بر رفتار اعتماد بود.

**روش:** ابتدا از جامعه هدف، ۴۸ نفر (۲۴ زن و ۲۴ مرد) انتخاب شده و به طور تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. آزمودنی‌های هر گروه با نسخه‌ای مجازی از «بازی اعتماد» مواجه شدند که طی آن برحسب گروه خود با افراد ناشناختی غیرحقیقی بازی می‌کردند. سپس به آزمودنی‌ها مقیاس‌های «اعتماد بین‌فردی راتر» (ITS) ارائه شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که با کاهش برداشت قابلیت‌اعتماد در چهره زنان، رفتار اعتماد در دو جنس کاهش می‌یابد. به‌علاوه، میزان امتیازات رد و بدل شده در گروه کنترل همبستگی بالایی با نمره آن‌ها در (ITS) داشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که چهره فرد مقابل به‌عنوان مجموعه‌ای از برداشتهای چهره‌ای مختلف بر رفتار اعتماد افراد تأثیرگذار است و این اثرگذاری به‌ویژه در مورد چهره زنان مطرح است.

**کلیدواژه‌گان:** اعتماد، بازی اعتماد، برداشت چهره‌ای

۱ - کارشناسی ارشد روانشناسی (نویسنده مسئول) mahdiye\_mirmohammad@yahoo.com

۲ - استادیار روانشناسی تربیت مدرس

۳ - دانشیار روانشناسی تربیت مدرس

## The effect of facial impression on student's behavior in Trust Game

Mirmohammad, M.S.  
Rasolzadeh Tababaie, S.K.  
Azadfallah, P.

### Abstract

**Introduction:** Trust is a construct which plays a crucial role in mental health and wellbeing of interpersonal relationships; and meanwhile optimize social functioning of various fields. The aim of present study project was to investigate the effect of trustworthiness facial impression on trust behavior.

**Method:** Firstly, 48 subjects (24 male & 24 female) were selected from the volunteer students and get divided between 2 groups – i.e. the control group & experimental group – randomly. Subject in each group were exposed to a virtual version of “trust game” in which they played in different situations with unfamiliar virtual opponents according to their group. Then, they were asked to answer Rotter’s Interpersonal Trust Scale (ITS). Research hypotheses were that lower level of “trustworthiness” facial impression decrease trust behavior. Furthermore, this study sought to find the role of the sexuality of trustees in the effectiveness of trustworthiness facial impression on trust behavior.

**Results:** Final results indicate that low level of “trustworthiness” facial impressions lead to decreased level of trust behavior. In addition, the results showed that the amount of subjects’ payment in trust game was highly correlated with their score in ITS.

**Keywords:** trust behavior; trust game; game theory; facial impressions; trustworthiness

## مقدمه

جوامع بشری هر چه پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌شوند، اقسام و تنوع روابط و مناسبات بین افراد آن جوامع افزایش می‌یابد. در جوامع بزرگ، انسانها روزانه با اشخاصی مواجه می‌شوند که ممکن است یکبار برای همیشه دیداری بین آن‌ها رخ دهد. در حالی که پیش از این در جوامع کوچکتر، افراد یکدیگر را به خوبی می‌شناختند و مدت‌ها در کنار هم می‌زیستند و به واسطه شناخت مذکور تعاملات خود را تنظیم می‌کردند؛ شناختی که در جوامع امروزی در غالب تعاملات روزمره حاصل نمی‌شود. در این صورت افراد ناآشنا چگونه با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند؟

کلید این نوع ارتباطات اجتماعی در وجود داشتن «اعتماد» مابین دو فرد بیگانه در حال تعامل نهفته است. پژوهشها نشان داده‌اند که اعتماد کردن یا نکردن افراد در هر موقعیت با پیش‌زمینه رفتار آن‌ها در شکل کلی (سورنتینو، هانا، هولمز و شارپ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵)، جهت‌گیریهای زمینه‌ای هر فرد از جمله باورهای افراد درباره طبیعت بشر (مک‌نایت، کامینگز و چروانی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸)، میزان ویژگی در خطرپذیری (بن‌نر، پاترمن و رن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱؛ کوک و کوپر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و وضعیت خلقی فرد اعتمادکننده در لحظه تصمیم‌گیری (تن و فورگاس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰) همبسته است. همچنین، به رابطه عوامل اقتصادی و طبقه اجتماعی (کوزولینو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱) و بافت فرهنگی و محیط هر جامعه (بشیریه، ۱۳۷۵؛ نیف و شاپ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹) با میزان اعتماد اشاره شده است.

اعتماد به‌علاوه می‌تواند تابعی از ویژگیهای مربوط به فرد مقابل نظیر ارتباط یا عدم ارتباط رودررو با او و سرنخهای غیرکلامی مبادله شده از سوی فرد اعتمادشونده (آمبادی و روزنتال<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲؛ کورزبان، مک‌کیب، اسمیت و ویلسون<sup>۹</sup>، ۲۰۰۱)، بروز جلوه‌های هیجانی (شارلمان، اکل، کاسلنیک و ویلسون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱؛ اکل و ویلسون<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ دستنو، بریزیل، فرانک و پزارو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۲) و نهایتاً چهره فرد اعتمادشونده (تاکاهاشی و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۸؛ روز و تودلا<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱) و جزئیات ظریف چهره‌ای چون رنگ (کلیسنر، پریپلاتوا، فراست و فلگر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳) و حالت ظاهری (اسکول، مایو و برنشتاین<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۴) چشم فرد به حساب بیاید.

- 1 - Sorrentino, Hanna, Holmes & Sharp
- 2 - McKnight, Cummings & Chervany
- 3 - Ben-Ner, Putterman & Ren
- 4 - Cook & Cooper
- 5 - Tan & Forgas
- 6 - Cozzolino
- 7 - Naef & Schupp
- 8 - Ambady & Rosenthal
- 9 - Kurzban, McCabe, Smith & Wilson
- 10 - Scharlemann, Eckel, Kacelnik & Wilson
- 11 - DeSteno, Breazeal, Frank & Pizarro
- 12 - Takahashi
- 13 - Ruz & Tudela
- 14 - Kleisner, Priplatova, Frost & Flegr
- 15 - Schul, Mayo & Burnstein

همان‌طور که اشاره شد از میان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر میزان اعتماد از جانب فرد اعتمادشونده، ویژگی‌های «چهره‌ای» اوست. در واقع، ادراک دقیق چهره برای رسیدن به موفقیت در هر تعامل اجتماعی ضروری است. افراد با توجه به ویژگی‌های ثابت چهره‌ای افراد مقابل هویت آن‌ها را شناسایی می‌کنند و به استفاده از اطلاعات تغییرات پویای صورت آن‌ها، حالات روانی‌شان را درمی‌یابند (هکسی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). آن‌ها در مواجهه با قیافه و ظاهر دیگران به سرعت «برداشت<sup>۲</sup>» صفت‌هایی چون قابل اعتماد بودن و پرخاشگر بودن را شکل می‌دهند (ویلیس و تودوروف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ بار، نتا و لینز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶؛ تودوروف، پاکراشی و اوسترهوف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). اگرچه این برداشتها لزوماً همیشه و در مورد تمام صفات برداشت‌شده صحیح نیستند، اما نتایج اجتماعی مهمی را به بار می‌آورند (اوسترهوف و تودوروف، ۲۰۰۹) که بروز یا عدم بروز رفتار اعتماد در رابطه با فردی ناآشنا را می‌توان یکی از آن‌ها دانست.

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که مغز انسان هنگام مواجهه با یک چهره، آن را در مقیاسی با ظرفیت مثبت/منفی ارزیابی می‌کند و بر اساس آن و در تعامل با سایر مؤلفه‌های موقعیتی و شناختی، رفتار روی‌آوری/اجتناب را شکل می‌دهد (بارگ، ۱۹۹۷؛ به نقل از تانر و مانگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). این ارزیابی‌ها در واقع قضاوت‌های اجتماعی خودکاری هستند که به صورت ناخودآگاه (وینستون، استرینج، ادورتی و دولان<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲) و در مدت زمان بسیار کوتاهی (ویلیس و تودوروف، ۲۰۰۶؛ بالو و تودوروف، ۲۰۰۷؛ رول، آدامز، آمبادی و فریمین<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲) در کسری از ثانیه شکل می‌گیرند. نظریه‌پردازان این حوزه معتقدند که علت شکل‌گیری برداشت صفت‌های گوناگون از یک چهره در درجه اول و تأثیرگذاری این برداشتها بر رفتار اجتماعی فرد در مرحله‌ی بعدی آن است که ناحیه آمیگدال به‌عنوان اساسی‌ترین بخش در شکل‌دهی قضاوت‌های خودکار و برداشتهای چهره‌ای (کانویشر و یوول<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶؛ تودوروف و انگل<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸) در پردازش یک چهره با استفاده از مکانیزم‌های جستجوگر خود (بارون-کوهن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۵) بین چهره‌های خنثای هیجانی و جلوه‌های چهره‌ای هیجانهایی به‌خصوص شباهت‌های نامحسوسی را شناسایی می‌کند (سعید، سبه و تودوروف<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹). این همسان‌سازی خودکار باعث می‌شود تا مغز علامت‌دهی‌های اجتماعی موجود در یک چهره هیجانی را به چهره‌های خنثای مشابه نیز تعمیم دهد و بر اساس نوع هیجان

- 
- 1 - Haxby et al.
  - 2 - impression
  - 3 - Willis & Todorov
  - 4 - Bar, Neta & Linz
  - 5 - Todorov, Pakrashi & Oosterhof
  - 6 - Tanner & Maeng
  - 7 - Winston, Strange, O'Doherty & Dolan
  - 8 - Rule, Adams, Ambady & Freeman
  - 9 - Kanwisher & Yovel
  - 10 - Engell
  - 11 - Baron-Cohen
  - 12 - Said, Sebe & Todorov

شناسایی شده، رفتار روی‌آوری و یا اجتناب را در فرد برانگیزاند (کرامهامبر و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ اوسترهوف و تودوروف، ۲۰۰۸). اگرچه این تعامل بروزهای هیجانی و برداشتهای چهره‌ای، تأثیری خطی و یک‌طرفه نیستند و در نظامی پویا عمل می‌کنند (اوسترهوف و تودوروف، ۲۰۰۹). توجه به نظریه‌های موجود در این حوزه و نتایج پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با تأثیر چهره بر روی رفتار افراد مقابل، این فرضیه را در ذهن بیدار می‌کند که می‌توان در بررسی سرنخهای چهره‌ای بر روی رفتار اعتماد‌گامی جلوتر نهاد و تأثیر چهره‌های خنثی با برداشتهای نخستین متفاوت را بر روی پیامدهای بعدی رفتاری در بازیهای اعتماد سنجید. بنابراین، فرضیه‌های زیر به منظور بررسی تأثیر قابلیت اعتماد برداشت‌شده از چهره‌ها بر میزان اعتماد آزمودنی‌ها مورد آزمون قرار گرفت: مواجهه با چهره دارای برداشت غیرقابل اعتماد موجب کاهش رفتار اعتمادآمیز در فرد مقابل می‌شوند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع طرحهای نیمه آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان دانشگاههای تربیت مدرس، تهران، امیرکبیر و شریف تشکیل می‌دادند که بین سالهای ۹۰ تا ۹۲ مشغول به تحصیل بوده‌اند که حدود ۳۰۰ نفر برای شرکت در آزمایش داوطلب شدند. از میان داوطلبان در دسترس، ۴۸ آزمودنی (۲۴ زن و ۲۴ مرد) به‌طور تصادفی انتخاب و در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین شدند. میانگین سنی دانشجویان ۲۷/۸ سال بود. ۵۰ درصد آزمودنیها دانشجوی کارشناسی، ۳۷/۵ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۱۲/۵ درصد دانشجوی دکتری بودند. از این دانشجویان ۴/۲ درصد دارای سطح اقتصادی پایین، ۵۰ درصد دارای سطح متوسط و ۴۵/۸ درصد بهره‌مند از سطح اقتصادی بالایی بودند.

### ابزار پژوهش

– **مقیاس اعتماد بین فردی راتر (۱۹۶۷):** این مقیاس شامل ۲۵ ماده اصلی و ۱۵ ماده دیگر است که برای پنهان کردن هدف اصلی آزمون طراحی شده‌اند. ماده‌های این مقیاس به گستره وسیعی از موقعیتهای افراد مانند والدین، معلمها، پزشکان، سیاستمداران، دوستان و جامعه از منظر کلی اشاره دارند و نمره آزمون بر اساس الگوی پاسخ آزمودنیها به دو گزینه الف و ب در هر سؤال است. جانسون (۲۰۰۱) در مرور خود با بررسی بیست مقیاس معتبر در رابطه با اعتماد میان فردی و اعتماد سازمانی، مقیاس اعتماد راتر (۱۹۶۷) را یکی از برترین آزمونها در زمینه سنجیدن اعتماد اجتماعی و میان فردی می‌داند. از نظر جانسون مهمترین مزایای این مقیاس، اتکالی ساخت آن به یک رویکرد نظری پذیرفته شده و استوار در حوزه روان‌شناسی و از طرفی اعتبار و

1 - Kruhumber etal.

روایی مناسب آن از لحاظ آماری است. اما ارجحیت عمده آن بر سایر مقیاس‌های اعتماد موجود این است که گرایش فرد به اعتماد را در سطح کلان نسبت به افراد ناشناس و در بستر تعاملات اجتماعی می‌سنجد. راتر (۱۹۶۷) پایایی آن را با استفاده از روش دونیمه کردن  $0/76$  به دست آورد. متوسط ضریب همسانی درونی این آزمون در ایران بیش از  $0/68$  گزارش شده است (محسن علیق، آگیلار وفایی و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۸۸).

– **نسخه رایانه‌ای بازی اعتماد:** بازی اعتماد از زمانی که توسط برگ، دیکهات و مک‌کیب<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) ساخته شده تاکنون چندین بار، تحت شرایط گوناگون و بر روی جمعیت‌های مختلف انجام شده است. این بازی به گونه‌ای طراحی شده که برای تبیین رفتار اعتماد دلایل رفتاری جایگزینی چون تکرار بازی، تعهدهای قبلی قراردادی و تهدید تنبیه شدن را کنترل می‌کند و صرفاً بر روی اعتماد و همکاری رد و بدل شده میان دو فرد متمرکز است. در این بازی دو اتاق «آ» و «ب» وجود دارد که در هر اتاق یکی از دو آزمودنی بطور مجزا و بدون ارتباط با آزمودنی دیگر قرار دارند. برای هر آزمودنی به واسطه حضورش در محیط آزمایشگاه ده امتیاز در نظر گرفته شده که در پایان بازی پس از انجام قرعه‌کشی و بر اساس امتیاز آزمودنی‌ها به یکی از آن‌ها هدیه‌ای اعطا می‌گردد.

در مرحله نخست بازی، آزمودنی «آ» باید تصمیم بگیرد که چه مقدار از ده امتیاز خود را به شریک ناشناس خود در اتاق «ب» بدهد. لازم به ذکر است در این مرحله به هر دو آزمودنی آگاهی داده می‌شود که هر امتیازی که اتاق «آ» به اتاق «ب» یا فضای مجازی فرد «ب» فرستاده می‌شود، پیش از رسیدن به دست او سه برابر خواهد شد. میزان امتیاز جابجا شده از سمت فرد «آ» به فرد «ب» نشانگر میزان بروز رفتار اعتماد از سوی آزمودنی «آ» است. در مرحله دوم نوبت آزمودنی اتاق «ب» است که تصمیم بگیرد چه مقدار از امتیاز رسیده از سمت آزمودنی «آ» را برای خود بردارد و چه مقدار از آن را به اتاق «آ» پس بفرستد. این مقدار امتیاز باز پس فرستاده شده چند برابر نخواهد شد و عیناً منتقل می‌شود. مقدار امتیاز بازگردانده شده از سمت فرد «ب» به فرد «آ» نشان‌دهنده میزان رفتار همکاری و قابل اعتماد بودن اوست.

در پژوهش حاضر نسخه نرم افزاری این بازی طراحی شده و تمرکز پژوهش تنها بر روی رفتار آزمودنی‌های گروه «آ» در مرحله نخست بازی بود. به تمام آزمودنی‌ها گفته می‌شد که در انتخابی تصادفی به عنوان بازیکن گروه «آ» گزیده شده‌اند. پیش از این در پژوهش‌های دیگری (شارلمان و همکاران، ۲۰۰۱؛ دوپروین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ هوسر، شانک و وینت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰) نیز چنین شکلی از بازی اعتماد استفاده شده بود. بدین صورت که به آزمودنی‌ها گفته شده که آغازکننده بازی هستند و با شریک‌های آنلاینی از دانشگاه‌های دیگر همبازی می‌شوند؛ در حالی که افراد در مقابل مجموعه برنامه ریزی

1 - Burg, Dikhaut & McCabe

2 - DeBruine

3 - Houser, Schunk & Winet

شده‌ای از انتخابها قرار می‌گرفتند که از پیش با چهره‌های مشخصی همایند شده بودند و توسط پژوهشگران کنترل می‌شدند.

هوسر، کین و مک‌کیب (۲۰۰۴) برای سنجش روایی آزمون اعتماد و جداسازی آن از آزمون‌های خطرپذیری با ساختن بازی شبیه به بازی اعتماد پاسخ آزمودنی‌ها در موقعیت مستلزم خطرپذیری را سنجیدند. نتایج حاکی از آن بود که نه تنها میان میزان رفتار اعتماد افراد با میزان خطرپذیری و گرایش به خطرشان همبستگی وجود ندارد، بلکه الگوی این دو رفتار و توزیع آماری این دو متغیر نیز متفاوت است. توزیع تصمیم افراد در برخورد با رایانه (موقعیت مستلزم خطرپذیری) شبیه به منحنی استاندارد بود؛ در حالی که توزیع تصمیم آزمودنی‌ها در بازی اعتماد برگ و همکارانش (۱۹۹۵) شکلی دونمایی با خوشه‌بندی در دو مرز دادن و ندادن داشت. به عقیده هوسر، شانک و وینتر (۲۰۰۶) این تفاوت توزیعها نشان‌دهنده آن است که نحوه‌ی تصمیم‌گیری افراد در موقعیتهای مخاطره‌آمیز به نحوی نظام‌مند از تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد اعتماد کردن متمایز است و بازی اعتماد تنها میزان اعتماد در افراد را می‌سنجد. نتایج پژوهش‌های بعدی (هوسر و همکاران، ۲۰۱۰) نیز این تفاوت توزیع را گزارش داده‌اند.

در این بازی از تصویر چهره‌های مختلف استفاده شد که بر اساس مجموعه چهره‌های کارولینسکا انتخاب شده بودند (لوندکوئیست، فلیک و اوهمن، ۱۹۹۸). این مجموعه نزدیک به ۵۰۰۰ تصویر چهره است که به منظور پژوهش‌های روان‌شناختی و پزشکی جمع‌آوری و بسط داده شده‌اند و در پژوهش‌های مربوط به ادراک، توجه، هیجان، حافظه و آزمایش‌های پوشاندن چهره کاربرد داشته‌اند. این تصاویر از چهره‌های ۷۰ بازیگر آماتور (۳۵ زن و ۳۵ مرد) در حالتهای هیجانی مختلف نظیر هیجان، غم یا تعجب و در حالت هیجانی خنثی گرفته شده است. این افراد بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن داشته‌اند و برای کنترل متغیرهای مزاحم دقت شده است تا ریش، سبیل، گوشواره و یا آرایش قابل تشخیص نداشته باشند.

اوسترهوف و تودوروف (۲۰۰۸) در پژوهش خود با استفاده از چهره‌های خنثای این مجموعه و ارزیابی آن‌ها از لحاظ برداشت چهره‌ای ایجاد کننده در فرد مقابل، مجموعه ارزشمندی از داده‌ها را بسط داده‌اند. در این پژوهش ابتدا این چهره‌ها به ۵۵ نفر داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا بدون هیچگونه محدودیتی توصیفات خود را از هر چهره بنویسند. این توصیفات در یک تحلیل مؤلفه‌های اساسی توسط سه پژوهشگر به ابعاد و صفت‌های کلی‌تری تقسیم شدند و در نهایت ۱۴ صفت در بیش از ۶۸ درصد از ۱۱۰۰ توصیف موجود پیدا و طبق بندی گشته و برای مراحل بعدی پژوهش به کار گرفته شدند. در مرحله‌ی بعدی این چهره‌ها به ۳۲۷ آزمودنی نشان داده شد تا برداشت اولیه خود را راجع به هر یک از این صفات در هر چهره در مقیاسی ۱۰ نمره‌ای بیان کنند. چهره‌ها به هر فرد سه بار و در سه بلوک زمانی متفاوت ارائه شدند تا بتوان توافق میان ارزیاب و در نتیجه اعتبار

پاسخ‌های آزمودنی‌ها را نیز سنجید. چهره‌ها سپس بر اساس میانگین نمره استاندارد که گرفته بودند بر مبنای نمره  $Z$  مرتب شدند. چهره‌های منتخبی از این تصاویر در مطالعات پیشین (میرمحمد، ۱۳۹۱) در مورد ۱۱۰ آزمودنی ایرانی نیز استفاده شد و نتایج حاکی از همخوانی نمره‌های کسب شده توسط آزمودنی‌های ایرانی با نمره‌های  $Z$  به دست آمده در فرهنگ آمریکایی در پژوهش اوسترهوف و تودوروف (۲۰۰۸) بود. به‌علاوه، در پژوهش میرمحمد (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ برای نمونه ایرانی ۰/۷۹ گزارش شده است.

آزمودنی‌های گروه کنترل با سه موقعیت بدون چهره و آزمودنی‌های گروه آزمایش با شش موقعیت آزمایشی دارای چهره مواجه شدند که به منظور کنترل اثر ترتیب طبق ترتیبی تصادفی به آن‌ها ارائه شد. سپس تمام آزمودنی‌ها به مقیاس اعتماد اجتماعی راتر (۱۹۶۷) پاسخ گفتند.

### یافته‌های پژوهش

شاخصهای توصیفی عملکرد دو گروه در بازی اعتماد در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد عملکرد دو گروه در بازی اعتماد

انحراف استاندارد	میانگین		
۲/۸	۳/۲۴	کاملاً ناشناخته	گروه کنترل
۲/۹۷	۲/۹	مرد بدون چهره	
۲/۶۴	۲/۸	زن بدون چهره	
۲/۸۸	۲/۹	چهره زن قابل اعتماد	
۲/۷۸	۲/۷	چهره زن میانه	
۱/۸۱	۱/۴	چهره زن غیر قابل اعتماد	گروه آزمایش
۲/۸۳	۲/۹	چهره مرد قابل اعتماد	
۲/۱	۲/۱	چهره مرد میانه	
۳/۲۴	۲/۴	چهره مرد غیر قابل اعتماد	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین میزان اعتماد آزمودنی‌ها در موقعیت کاملاً ناشناخته گروه کنترل از میزان اعتماد آن‌ها در سایر موقعیت‌ها بیشتر است. در گروه آزمایش نیز کمترین میانگین به دست آمده مربوط به موقعیت «زن غیرقابل اعتماد» و بالاترین میانگین‌ها مرتبط با دو موقعیت آزمایشی «زن قابل اعتماد» و «مرد قابل اعتماد» می‌باشد.



برای آزمودن فرضیه‌های پژوهش ابتدا تفاوت میانگینهای میزان امتیاز منتقل شده توسط آزمودنیهای گروهی که تصاویر مربوط به برداشت «قابلیت اعتماد» را دریافت کردند به چهره زنان و مردان ارائه شده در سه موقعیت (قابل اعتماد، اعتماد میانه و غیرقابل اعتماد) محاسبه و سپس معنی‌داری این تفاوتها با آزمون  $t$  وابسته بررسی شد که نتایج آن جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: جدول نمرات  $t$  وابسته میزان اعتماد در گروه تصاویر قابلیت اعتماد در موقعیتهای شش گانه

سطح معنی‌داری (یکسویه)	نمره $t$	درجه آزادی	انحراف استاندارد تفاضل	میانگین تفاضل	گروههای مقایسه
۰/۲۴	۰/۷	۲۳	۱/۱۶	۰/۱۷	چهره‌های زن قابل اعتماد - زن میانه
۰/۰۰۲**	۳/۱۱	۲۳	۲/۱۶	۱/۳۷	چهره‌های زن میانه - زن غیرقابل اعتماد
۰/۰۰۱**	۳/۴۲	۲۳	۲/۲	۱/۵۴	چهره‌های زن قابل اعتماد - زن غیرقابل اعتماد
۰/۰۳۹*	۱/۸۴	۲۳	۲/۱۱	۰/۷۹	چهره‌های مرد قابل اعتماد - مرد میانه
۰/۲۸	۰/۵۸	۲۳	۲/۸	۰/۳۳	چهره‌های مرد میانه - مرد غیرقابل اعتماد
۰/۲۱	۰/۸۲	23	۲/۷۵	۰/۴۶	چهره‌های مرد قابل اعتماد - مرد غیرقابل اعتماد

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تفاوت میزان اعتماد بین دو گروه تصویر مرد بسیار قابل اعتماد و مرد با قابلیت اعتماد متوسط ( $t=۱/۸۴$ ) در سطح ( $p<۰/۰۵$ ) معنی‌دار است. همچنین تفاوت میزان اعتماد بین دو گروه تصویر زن با قابل اعتماد بودن میانه و زن با قابل اعتماد بودن پایین ( $t=۳/۱۱$ ) و تفاوت میزان اعتماد بین دو گروه تصویر زن با قابل اعتماد بودن پایین و زن با

قابل اعتماد بودن بالا ( $t=3/42$ ) در سطح ( $p<0/01$ ) معنی‌دار است. در مقابل در مقایسه‌های دیگر علیرغم وجود اختلاف میان میانگینها، این تفاوتها به سطح معنی‌داری مطلوب نرسیدند.

### بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج نشان داد بین رفتار اعتماد آزمودنی‌ها نسبت به چهره‌های زن قابل اعتماد با زن متوسط و چهره‌های زن قابل اعتماد و غیرقابل اعتماد تفاوت رفتار فاحشی وجود دارد، بدین معنا که به زنان دارای چهره‌های غیرقابل اعتماد اعتماد بسیار کمتری شده‌است. این تفاوت در مورد محرکهای چهره‌ای مردان تنها در مورد میزان اعتماد به چهره مردان قابل اعتماد و متوسط مشاهده شد که افراد در مواجهه با چهره‌های متوسط مردان اعتماد کمتری از خود بروز دادند.

این نتایج با یافته‌های بون و باک (۲۰۰۳) و تودوروف و دوچین (۲۰۰۸) همسو هستند؛ بدین معنا که افراد پیش از تصمیم‌گیری نسبت به انتخاب استراتژی اعتماد یا عدم اعتماد به طور خودکار چهره فرد مقابل را از لحاظ برداشت قابل اعتماد بودن ارزیابی می‌کنند و در تصمیم بعدی خود از این ارزیابی بهره می‌برند. این مکانیسم را شاید بتوان مکانیسمی مکمل برای فرآیند طبقه‌بندی شناختی دانست که مک‌نایت و همکارانش (۱۹۹۸) به‌عنوان یکی از فرآیندهای شناختی پیشایند رفتار اعتماد مطرح کرده‌اند. درواقع، طی این مکانیسم فرد با استفاده از چهره به‌عنوان یکی از منابع اطلاعاتی کارآمد و دقیق در تخمین میزان اعتماد فرد مقابل (دستو و همکاران، ۲۰۱۲)، در مورد او داده‌هایی به دست می‌آورد که از طریق آن فرد را در گروه قابل اعتماد یا غیرقابل اعتماد یا به بیانی ظرفیت مثبت یا منفی ارزیابی اعتماد طبقه‌بندی می‌کند.

با این حال طبقه‌بندی شناختی نهایی از طریق ترکیب این اطلاعات به دست آمده از کلیشه‌های پیشین حاصل می‌آید. کلیشه‌ها از دیگر منابع شناختی خودکار در تخمین قابلیت اعتماد طرف مقابل هستند که با کاربست آن‌ها فرد با توجه به تصورات قالبی که از عضویت طرف مقابل در دسته یا گروه خاصی دارد، نسبت به او و قابلیت اعتمادش قضاوت می‌کند. استفاده از این تبیین می‌تواند معنی‌دار نشدن یافته‌ها در رابطه با چهره‌های مرد خنثی و مرد غیرقابل اعتماد را بدین نحو تفسیرپذیر کند که چهره این مردان کلیشه‌های جنسیتی ویژه‌ای را در آزمودنی‌ها فعال کرده‌اند. بررسی داده‌ها به منظور پاسخ به پرسش پژوهش نیز تا حدی با این نظرگاه همخوان است؛ زیرا نتایج نشان داده‌اند که آزمودنی‌های مرد به چهره مرد غیرقابل اعتماد بیش از زن غیرقابل اعتماد اعتماد داشتند. با این حال، هنوز مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بسیاری برای مطالعه تصورات قالبی دو جنس نسبت به قابلیت اعتماد چهره‌های مذکر و مونث در سطح جهان و به ویژه ایران به عنوان بافت فرهنگی - جغرافیایی پژوهش حاضر نیاز است تا به نتایج دقیقتری در این زمینه دست یابیم.

خلاصه آنکه می‌توان برداشت قابلیت اعتماد یک چهره را منبعی مورد استفاده برای تصمیم‌گیری در مورد اعتماد کردن به فرد مقابل دانست که با در نظر گرفتن صحت قابل قبول این قضاوتها در شناسایی افراد غیرقابل اعتماد (کرامهامبر و همکاران، ۲۰۰۷؛ پورتر و همکاران، ۲۰۰۸؛ دستنوت و دیگران، ۲۰۱۲)، استفاده از این منبع برای قضاوت اعتماد دارای مزایایی تکاملی است. با این حال، همان‌طور که اوزونو، واتابه و یوشیکاوا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نیز گزارش کرده‌اند میزان اهمیت و تأثیرگذاری برداشت چهره‌ای قابلیت اعتماد در قضاوت نهایی فرد و متعاقباً رفتار اعتماد او امری وابسته به فرهنگ است و از همین رو در تفسیر نتایج ناهمخوان با فرض پژوهشی حاضر در تلاقی با عامل جنسیت طرفین، مقایسه این نتایج با یافته‌های پژوهشی درون فرهنگی و برون فرهنگی دیگر ضروری است.

## منابع

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۵). ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی. فصلنامه نقد و نظر، ۲۳، ۴۲-۵۰.
- محسن علیق، امیمه، آگیلار وفایی، مریم و رسول زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۸۸). الگوی صلاحیت روانی- اجتماعی تایلر: مقایسه دانشجویان ایرانی و لبنانی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۲۱، ۴۷-۵۴.
- میرمحمد، مهدیه. (۱۳۹۱). بررسی اثرگذاری برداشت چهره‌ای بر رفتار اعتمادآمیز در بازی اعتماد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- Ambady, N., & Rosenthal, R. (1992). Thin slices of behavior as predictors of interpersonal consequences: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 2, 256-274.
- Ambady, N., & Rosenthal, R. (1993). Half a minute: Predicting teacher evaluations from thin slices of nonverbal behavior and physical attractiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 431-441.
- Ballew, C.C., & Todorov, A. (2007). Predicting political elections from rapid and unreflective face judgments. *PNAS*, 46, 17948-17953.
- Bar, M., Neta, M., & Linz, H. (2006). Very first impressions. *Emotion*, 6, 269-278.
- Baron-Cohen, S. (1995). *Mindblindness*. MIT Press: Bradford Books.
- Ben-Ner, A., Putterman, L., & Ren, T. (2011). Lavish returns on cheap talk: Two-way communication in trust games. *The Journal of Socio-Economics*, 40, 1-13.
- Berg, J., Dikhaut, J., & McCabe, K. (1995). Trust, reciprocity, and social history. *Games and economic behavior*, 10, 122- 142.

---

1 - Ozono, Watabe & Yoshikawa

- Boone, R.T., & Buck, R. (2003). Emotional expressivity and trustworthiness: The role of nonverbal behavior in the evaluation of cooperation. *Journal of Nonverbal Behavior*, 27, 513-523.
- Cook, K.S., & Cooper, R.M. (2003). *Experimental studies of cooperation, trust and social exchange*. Russell Sage Foundation: New York.
- Cozzolino, P.J. (2011). Trust, cooperation, and equality: A psychological analysis of the formation of social capital. *British Journal of Social Psychology*, 50, 302-320.
- DeBruine, L.M. (2002). Facial resemblance enhances trust. *The Royal Society*, 269, 1307-1312.
- DeSteno, D., Breazeal, C., Frank, R.H., & Pizarro, D. (2012). Detecting the trustworthiness of novel partners in economic exchange. *Psychological Science*, 12, 1549-1556.
- Eckel, C.C., & Wilson, R.K. (2003). Is there a mechanism for detecting trustworthiness. Paper presented at the Western Political Science Association, Denver.
- Hauser, D., Schunk, D., & Winter, J. (2006). Trust games measure trust. *Munich Discussion*, 12, 27-38.
- Haxby, J.V., Hoffman, E.A., & Gobbini, M. (2000). The distributed human neural system for face perception. *Trends in Cognitive Science*, 6, 223-233.
- Houser, D., Keane, M., & McCabe, K. (2004). Behavior in a dynamic decision problem: an analysis of experimental evidence using a Bayesian type classification algorithm. *Econometrica*, 72, 781-822.
- Houser, D., Schunk, D., & Winet, J. (2010). Distinguishing trust from risk: An anatomy of the investment game. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 74, 72-81.
- Johnson, G.J. (200\). A review of selected scale construction and evaluation studies in interpersonal and organizational trust. *Office of Scale Research*, 50, 68-88.
- Kanwisher, N., & Yovel, G. (2006). The fusiform face area: A cortical region specialized for the perception of faces. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London*, 361, 2109-2128.
- Kleisner, K., Priplatova, L., Frost, P., & Flegr, J. (2013). Trustworthy-looking face meets brown eyes. *PLoS ONE*, 8, 532-585.
- Krumhumber, E., Menstead, A., Cosker, D., Marshall, D., Rosin, P.S., & Kappas, A. (2007). Facial dynamics as indicators of trustworthiness and cooperative behavior. *Emission*, 7, 730-735.
- Kurzban, R., McCabe, K., Smith, V., & Wilson, B.R. (2001). Incremental commitment and reciprocity in a real-time public goods game. *Society for Personality and Social Psychology*, 12, 1662-1673.
- Lundqvist, D., Flikt, A., & Ohman, A. (1998). *Karolinska Directed Emotional Faces*. Stockholm: Sweden.

- McKnight, D.H., Cummings, L.L., & Chervany, N.L. (1998). Initial trust formation in new organizational relationships. *Academy of Management Review*, 23, 473-490.
- Naef, M., & Schupp, J. (2009). Measuring trust: Experiments and surveys in contrast and combination. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1367375>.
- Oosterhof, N.N., & Todorov, A. (2008). The functional basis of face evaluation. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 105, 11087-11092.
- Oosterhof, N.N., & Todorov, A. (2009). Shared perceptual basis of emotional expressions and trustworthiness impressions from faces. *Emotion*, 9, 128-133.
- Ozono, H., Watabe, M., & Yoshikawa, S. (2010). What's in a smile? Cultural differences in the effects of smiling on judgments of trustworthiness. *Letters on Evolutionary Behavioral Science*, 1, 42-50.
- Porter, S., England, L., Juodis, M., ten Brinke, L., & Wilson, K. (2008). Is the face a window to the soul? Investigation of the accuracy of intuitive judgments of the trustworthiness of human faces. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 40, 171-177.
- Rotter, J.B. (1967). A new scale for the measurement of interpersonal trust. *Journal of Personality*, 35, 651-665.
- Rule, N.O., Adams, R.B., Ambady, N., & Freeman, J.B. (2012). Perceptions of dominance following glimpses of faces and bodies. *Perception*, 41, 687-706.
- Ruz, M., & Tudela, P. (2011). Emotional conflict in interpersonal interactions. *NeuroImage*, 54, 1685-1691.
- Said, C.P., Sebe, N., & Todorov, A. (2009). Structural resemblance to emotional expressions predicts evaluation of emotionally neutral faces. *Emotion*, 9, 260-264.
- Scharlemann, J., Eckel, C.C., Kacelnik, A., & Wilson, R.K. (2001). The value of smile: game theory with a human face. *Journal of Economic Psychology*, 22, 617- 640.
- Schul, Y., Mayo, R., & Burnstein, E. (2004). Encoding under trust and distrust: The spontaneous activation of incongruent cognitions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86, 668-679.
- Sorrentino, R.M., Hanna, S.E., Holmes, J.G., & Sharp, A. (1995). Uncertainty orientation and trust in close relationships: Individual differences in cognitive styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 314-327.
- Takahashi, C., Yamagishi, T., Liu, J.H., Wang, F., Lin, Y., & Yu, S. (2008). The intercultural trust paradigm: Studying joint cultural interaction and social exchange in real time over the Internet. *International Journal of Intercultural Relations*, 32, 215-228.

- Tan, H.B., & Forgas, J.P. (2010). When happiness makes us selfish, but sadness makes us fair: Affective influences on interpersonal strategies in the dictator game. *Journal of Experimental Social Psychology*, 46, 571-576.
- Tanner, R., & Maeng, A. (2012). A tiger and a president: Imperceptible celebrity facial cues influence trust and preference. *Journal of Consumer Research*, 39, 769-783.
- Todorov, A., & Duchaine, B. (2008). Reading trustworthiness in faces without recognizing faces. *Cognitive Neuropsychology*, 25, 395-410.
- Todorov, A., Pakrashi, M., & Oosterhof, N.N. (2009). Evaluating faces on trustworthiness after minimal time exposure. *Social Cognition*, 27, 813-833.
- Todorov, A., & Engell, A. (2008). The role of the amygdala in implicit evaluation of emotionally neutral faces. *Social, Cognitive and Affective Neuroscience*, 3, 303-312.
- Willis, J., & Todorov, A. (2006). First impressions: Making up your mind after a 100 Ms. exposure to a face. *Psychological Science*, 17, 102-120.
- Winston, J.S., Strange, B.A., O'Doherty, J., & Dolan, R.J. (2002). Automatic and intentional brain responses during evaluation of trustworthiness of faces. *Nature Neuroscience*, 5, 277-283.